

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه قواعد عربی

پدیدآورندگان: امیر عرشیا اسماعیلی، محمد حسین فتاحی

فهرست:

درسنامه:

انواع کلمه در زبان عربی

اسم از نظر تعداد

اسم اشاره

اسم اشاره مکانی

اعداد

افعال

فعل امر حاضر

فعل نهی

انواع ترکیب در زبان عربی

طريقه ساخت ماضی استمراری: وصفی (موصوف)

ساعت خوانی در عربی

أنواع كلامه در زبان عربى:

١- فعل

٢- اسم

٣- حرف

فعل

دارای زمان و شخص یا فاعل می باشد که معنای انجام کاری را می رساند.

مثال : تَفْعِلُ ذَهَبَ تَذَهَّبَ فَعَلَتْ

اسم

معنا دارد ولی دارای زمان نیست.

مثال: المعلم تلميذ مدرسة

نشانه هایی برای شناخت اسم :

انتهایش ٥ تانیث باشد (٥) ← الحقيبه

ابتدایش (الـ) باشد. ← الجوال

انتهایش حرکت تنوين (أً أً) باشد ← البقرة

حروف

دارای معنای کاملی نمی باشد.

مثال : إِنْ مِنْ إِلَى لِ

نکته

برخی اوقات حرف و اسم ترکیب می شود و باید اول تجزیه کرد بعد تشخیص داد.

مثال : لِ الطالب ← ل + الطالب ← حرف + اسم

هر اسمی در عربی ما ذکر است یا مونث.

همانطور که می دانید برای تشخیص اول باید فهمید که جاندار است یا غیر جاندار تا کار ما آسان شود؛ برای جانداران که می گوییم جنس نر و جنس ماده اما برای غیرجاندار ذکر و مونث.

برای مرحله بعدی و تشخیص به سراغ علامت ها می رویم؛ اصلی ترین و عامه ترین علامت اسم مونث ه تانیث می باشد مثال : الطالبه البقره اما ذکر هیچ نشانه ای ندارد مانند: الطالب الثور

ولیکن برای راحت شدن کار علامت های دیگری نیز برای تشخیص مونث وجود دارد؛ تمامی اسم شهر ها و کشور ها مونث هستند مانند : طهران عراق و بیشتر اسمی اعضای بدن نیز جز مونث ها به حساب می آیند

مثال : عین ید

اما بعضی از مونث ها هستند هیچ قاعده و علامتی ندارند اما مونث هستند.

مثال : السماء الشمس النار النفس الأرض

نکته

بعضی از اسم‌ها به صورت جمع هستند و تشخیص مذکر یا مونث بودن آن سخت است که آن‌ها را باید به صورت مفرد تبدیل کرده و بعد مذکر یا مونث بودن آن را تشخیص داد. مانند:

الأخوه ← مذكر ← الاخ ← مونث ← الحدائق ← الحديقه ← مونث

اسم از نظر تعداد:

١-مفرد ٢-مثنوي ٣-جمع

مفرد

مفرد نشانه هایی برای مذکر ندارد یعنی مفرد مذکر هیچ نشانه ای ندارد اما مونث نشانه اش، ه تانیت می باشد

مثال : مفرد مذكّر ← المعلم **مفرد مونث** ← المعلمة

مشی

اسم مثنی، دو علامت دارد: (ان) و (آین)

مانند: طالبان طالبین طالبتان طالبیں

ج

١-جمع سالم ٢-جمع مكسر

اسم مذکر با (ونَ) و (ینَ) جمع مذکر سالم نامیده می شود.

مثال: معلمونَ معلمینَ

اسم مونث با (ات) جمع مونث سالم نامیده می شود.

مثال : معلمات

جمع برخی اسم ها مكسر یعنی شکسته است. در این جمع شکل مفرد کلمه تغییر می کند اما هیچ قاعده و علامتی ندارند.

مثال : طفل = اطفال عِبره = عَبْر

نکته

اگر نشانه های مثنی و جمع به انتهای اسم مفرد اضافه شود آن اسم مثنی و جمع می شود. بنابراین این نشانه ها اگر از آخر اسم حذف شوند آن اسم باید مفرد شود .

اسم اشاره:

اسم های اشاره نزدیک

اسم اشاره مفرد اسم اشاره مثنی اسم اشاره جمع

اسم اشاره مفرد

برای مذکر با هذا و برای مونث از هذه استفاده می کنیم.

مثال : هذا الصف **هذه الحقيبه**

اسم اشاره مثنی

برای مذکر از (هذان) و (هذین) استفاده می شود و برای مونث نیز (هاتان) و (هاتین) استفاده می کنیم.

مثال : هذان الطالبانِ هذین الطالبینِ

هاتان الطالبتانِ هاتین الطالبینِ

اسم اشاره جمع

چه برای مونث و چه برای مذکر چون جمع است از هولاء استفاده می شود

مثال: هولاء اللّاعبونِ هولاء اللّاعبات

اسم های اشاره دور

فرد جمع

فرد

برای مفرد از (ذلک) و برای مونث از (تلک) استفاده می شود.

مثال: ذلک الرَّجُلِ تلکَ الْبَنْتِ

جمع

هم برای مونث هم برای مذکر از (اولئک) استفاده می شود

مثال : اولئک مجاهدونِ اولئک مجاهدات

اسم اشاره مکانی:

نزدیک

برای مذکر و مونث از (هنا) استفاده می شود

دور

برای مذکر و مونث از (هناک) استفاده می شود

اعداد :

۱-اصلی ۲- ترتیبی

اعداد اصلی

برای شمارش هستند

مثال : واحد ، اثنان ، ثلاثة ، اربعه ، خمسه

اعداد ترتیبی

در ایرانی ترجمه اش می شود : اُم و اُمین

مثال : الاول ، الثاني ، الثالث ، الرابع ، الخامس

افعال:

۱- فعل ماضى ۲- فعل مضارع

"فعل ماضى"

جمع	مفرد	
نحن كَتَبْنَا	انا كَتَبْتُ	اول شخص (من /ما)
انتما كَتَبْتُمَا (مثنى) انتم كَتَبْتُم (مذكر) انتن كَتَبْتُنَ (مونىث)	مذكر:انت كَتَبْتَ مونىث:انت كَتَبْتِ	دوم شخص تو /شما
هما كَتَبَا (مذكر مثنى /كَتَبْتَا) (مونىث مثنى) هم كَتَبْوَا (مذكر) هن كَتَبْنَ (مونىث)	مذكر:هو كَتَبَ مونىث:هي كَتَبَتِ	سوم شخص او /آنها (ايشاران)

" فعل مضارع "

جمع	مفرد	
نحن نكتبُ	انا أكتبُ	اول شخص (من /ما)
انتما تكتبانِ (مثنى) انتم تكتبونَ (مذكر) انتن تكتبنَ (مونت)	مذكر:انت تكتبُ مونث:انت تكتبينَ	دوم شخص تو / شما
هما يكتبانِ (مذكر مثنى / تكتبانِ (مونت مثنى) هم يكتبونَ (مذكر) هن يكتبنَ (مونت)	مذكر: هو يكتبَ مونث: هي تكتبُ	سوم شخص او / آنها (ايشان)

" فعل امر حاضر ۱ "

۱- در زبان عربی فعل امر حاضر را از شش صیغه مخاطب فعل مضارع (انت، انت، انتما، انتما، انتم، انتن) می سازیم.

۲- از اول این شش صیغه حرف(ت) را حذف می کنیم و به جای آن همزه (۱) می آوریم .

۳- با توجه به عین الفعل حرف مضارع (حرکت حرف وسط در ریشه فعل مضارع) به همزه حرکت می دهیم؛ به صورتیکه اگر حرکت حرف وسط در مضارع فتحه (آ) یا کسره (ا) باشد، همزه ما کسره (ا) می گیرد؛ ولی اگر حرکت حرف وسط در مضارع ضمه (أ) باشد، همزه ما ضمه (أ) می گیرد.

۴- در صیغه مفرد مذکر امر، حرف آخر ساکن می شود ولی در مفرد مونث حرف (ن) حذف می شود.

نکته

معمولًا در جمله های که فعل امر داریم کلمات (یا ، ایها ، ایتها) وجود دارد.

مثال

کلمات زیر را به صورت فعل امر بنویسید.

تَخْرُجٌ تَخْرُجِينَ

تَذَهِبُ تَذَهِيبَيْنَ

تَجْلِسُ تَجْلِسِينَ

پاسخ

تَخْرُجٌ ← اخْرُجْ ← أُخْرُجْ ← أَخْرُج

تَخْرُجِينَ ← اخْرُجِينَ ← أُخْرُجِينَ ← أَخْرُجِي

تَذَهِبُ ← اذَهِبُ ← إِذْهِبُ ← إِذْهَب

تَذَهِيبَيْنَ ← اذَهِيبَيْنَ ← إِذْهِيبَيْنَ ← إِذْهِيبِي

تَجْلِسُ ← اجْلِسْ ← إِجْلِسُ ← إِجْلِسِي

تَجْلِسِينَ ← اجْلِسِينَ ← إِجْلِسِينَ ← إِجْلِسِي

نکته

همزه یا کسره (ا) میگیرد یا ضمه (أ) .

" فعل امر ۲"

در فعل امر ۱ با دو صیغه فعل امر (مفرد مذکر مفرد مونث) انت و انت اشنا شدیم ؛ در این درس با سایر صیغه های فعل امر مثنی : انتُما انتُما ، جمع مذکر : انتُم و جمع مونث : انتُن اشنا می شویم .
طريقه ساخت :

تمام دستور های را که برای ساخت فعل امر در فعل امر ۱ خواندیم در این درس نیز به کار می برمی ؛ علاوه بر آن در پایان تمام صیغه های فعل امر حرف (ن) را حذف می کنیم " به جز صیغه جمع مونث (انت) "

نکته : چون که (ن) ضمیر هست نمی شود حذف ش کرد
نکته : در جمع مذکر بعد از حذف (ن) یک (الف) به آخر فعل اضافه می شود
که نوشته می شود ولی خوانده نمی شود

مثال :

تَذَهِبُ ← إذهب

تَذَهِبَيْنَ ← إذهبَيْ

تَذَهِبَانِ ← إذهبَا

تَذَهِبَانِ ← إذهبَا

تَذَهِبُونَ ← إذهبُوا

تَذَهِبَيْنَ ← إذهبَيْ

"فعل نهی"

- فعل نهی را از فعل مضارع می‌سازیم (در درس ۵ و درس ۶ کتاب، با ۶ صیغه مخاطب آشنا می‌شویم)

۲- به اول تک این صیغه‌ها حرف "لا" (لا"ی نهی) اضافه می‌کنیم.

۳- حرف آخر فعل را در صیغه مفرد مذکر ساکن می‌کنیم و در بقیه صیغه‌ها حرف "ن" را حذف می‌کنیم **به جز جمع مؤنث**.

مثال:

جمع	مثنی	مفرد	
تَصِبرُونَ	تَصِيرَان	تَصِيرُ	مذكر
تَصِيرْنَ	تَصِيرَان	تَصِيرِينَ	مؤنث

اضافه کردن "لا"ی منفی

جمع	مثنی	مفرد	
لَا تَصِبرُونَ	لَا تَصِيرَان	لَا تَصِيرُ	مذكر
لَا تَصِيرْنَ	لَا تَصِيرَان	لَا تَصِيرِينَ	مؤنث

حرف آخر فعل را در صیغه مفرد مذکر ساکن می‌کنیم و در بقیه صیغه‌ها

حرف "ن" را حذف می‌کنیم به جز جمع مونث:

جمع	ثنی	مفرد	
لا تَصِبرُونَ ا	لا تَصِيرَا ن	لا تَصِيرْ [°]	مذکر
لا تَصِيرْنَ ا	لا تَصِيرَا ن	لا تَصِيرِي ن	مؤنث

نتیجه:

جمع	ثنی	مفرد	
لا تَصِبرُوا [!]	لا تَصِيرَا	لا تَصِيرْ [°]	مذکر
لا تَصِيرْنَ [!]	لا تَصِيرَا	لا تَصِيرِي [!]	مؤنث

این الف خوانده نمی‌شود

ثابت می‌ماند و تغییر نمی‌کند

انواع تركيب در زبان عربي:

در زبان عربي دو نوع تركيب داريم

الف تركيب اضافي (مضاف و مضاف اليه)

ب تركيب وصفي (موصوف و صفت)

الف) تركيب اضافي:

تركيب اضافي از اسم + اسم / اسم + ضمير ساخته می شود.

مثال:

ثمرة الجد ← اسم + اسم

كتابه ← اسم + ضمير

نکته:

در زبان عربي مضاف هيچگاه الف و لام و تنوين نمی گيرد اما مضاف
اليه می تواند يا الف و لام بگيرد يا تنوين بگيرد يا هيچ کدام!

مثال:

طالب المدرسة/كتاب طالب^م/مدينة بغداد

ب) تركيب وصفى:

موصوف اسمى است که يک يا چند ویژگی برايش می آوريں که صفت
نامیده می شوند مانند:

طالب مُجدٌ

نکته:

باید بدانیم که در عربی صفت تابع موصوف خود است؛ یعنی، اگر
موصوف مفرد مذکر ، مثنی ، جمع ... باشد صفت هم از موصوف تبعیت
می کند

مثال:

الطالبات العالمات

نکته:

هر گاه موصوف جمع غیر انسان (غیر عاقل) و یا جمع مكسر غیر انسان باشد ، صفت آن غالبا به صورت مفرد مونث می آید. مثال:

كُتُبٌ مُفِيدةً / الْقَطَارَاتُ السَّرِيعَةُ / الْمَوَادُ الْكِيمِيَاوِيَّةُ

نکته:

هرگاه اسمی یای مشدد (ی / یه) داشته باشد، برای موصوف خود صفت قرار می گیرد

مثال:

آثَرُ تارِيَخِيُّ / قَلْعَةً تارِيَخِيَّةً / نافذَةً حَدِيدِيَّةً

نکته:

هر اسمی که نشانه های مثنی و جمع مذکر سالم بگیرد تنوین نمی گیرد

مثال:

جَنُودُ مُؤْمِنُونَ

طريقه ساخت ماضی استمراري: وصفی (موصوف)

فعل (كان) و صيغه های مختلف آن + فعل مضارع = ماضی استمراري
مانند:

كانَ يَذْهَبُ / كُنْتُ أَذْهَبُ

١٤ صيغه ی «ماضی استمراري» :

- | | | |
|----------------------|---|-------------------------|
| میرفت (للغائب) | ◀ | ١ كانَ يَذْهَبُ. |
| میرفتند (للغائبینِ) | ◀ | ٢ كَانَا يَذْهَبَا |
| میرفتند (للغائبینَ) | ◀ | ٣ كَانُوا يَذْهَبُونَ |
| میرفت (للغائبهُ) | ◀ | ٤ كَانَتْ تَذْهَبُ. |
| میرفتند (للغائبتيںِ) | ◀ | ٥ كَانَتَا تَذْهَبَانِ |
| میرفتند (للغائباتِ) | ◀ | ٦ كُنَّ يَذْهَبُنَ. |
| میرفتی (للمخاطب) | ◀ | ٧ كُنْتَ تَذْهَبُ |
| میرفتید (للمخاطبينِ) | ◀ | ٨ كُنْتُمَا تَذْهَبَانِ |
| میرفتید (للمخاطبينَ) | ◀ | ٩ كُنْتُمْ تَذْهَبُونَ |
| میرفتی (للمخاطبةُ) | ◀ | ١٠ كُنْتِ تَذْهَبِينَ |

- ← ١١ كُنْتُمَا تَذَهَّبَانِ ميرفتيد (للمخاطبتين)
- ← ١٢ كُنْتُنَّ تَذَهَّبَنَ ميرفتيد (للمخاطبات)
- ← ١٣ كُنْتُ أَذْهَبُ ميرفتيم (للمتكلم وحده)
- ← ١٤ كُنَّا نَذَهَبُ ميرفتيم (للمتكلم مع الغير)

نکته:

همانطور که در صرف بالا دیدید ، کان و فعل مضارع در صیغه باید مطابق هم باشند (مگر زمانی که کان در اول جمله باشد و اسم ان هم از نوع اسم ظاهر باشد که در این صورت فعل کان به شکل مفرد می‌اید.

مثال:

الطلابُ كانوا يَذَهَّبُونَ

كان الطالبُ يَذَهَّبُ

كان الطّلابُ يَذَهَّبُونَ

كانت الطالباتُ يَذَهَّبُنَ

أنتم كنتم تَذَهَّبُونَ

ساعت خوانی در عربی

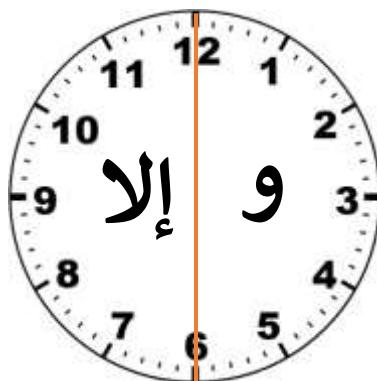
۱- برای نمایش دادن ساعت در عربی از اعداد ترتیبی ۱ تا ۱۲ استفاده می کنند (به جز ۱)

مثال:

الواحدة-الثانية-الثالثة-الرابعة-الخامسة-الستادسة-السابعة-الثامنة-التسعة-
العاشرة-الحادية عشرة-الثانية عشرة

۲- این کلمات را در ساعت شماری می خوانیم:

تماماً—والربع—والنصف — الا ربعاً



۳- برای پرسش از ساعت از کلمه پرسشی (کم) استفاده می کنیم.

مثال:

كم الساعة الان؟ (الآن ساعت چند است؟)

الساعة الان الثانية عشرة و النصف (ساعت الان دوازده و نیم است)